

## شخصیت‌شناسی نووی و درنگی در شرح ناتمامش بر صحیح بخاری

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۰/۱۵ تاریخ پذیرش: ۹۴/۱/۲۰

نوروز امینی؛ دانشجوی دکتری دانشگاه تربیت مدرس تهران و  
عضو هیئت علمی (مریی) دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

### چکیده

شخصیت‌شناسی عالمان و محدثان یکی از مباحث مهم حوزه مطالعات حدیثی است. ضرورت آن در پرتو شناخت راویان و مؤلفان کتب حدیثی و سنجش میزان اطلاعات علم‌الحدیثی آنها حاصل می‌شود. این مقاله درصدد معرفی نووی و جایگاه وی در حدیث اهل سنت است. نخست، کتابشناسی احوال و آثار نووی و سپس شخصیت علمی وی مورد بررسی قرار گرفته و در پایان، شرح ناتمام او بر صحیح بخاری از نظر سبک نگارشی و نوع اطلاعات موجود در آن بررسی و تحلیل شده است. کلید واژه‌ها: جوامع حدیثی اهل سنت، صحیح بخاری، شروح حدیثی، روایات اهل سنت، نووی، سبک‌شناسی کتب حدیثی.

یکی از موضوعات مهم در علوم حدیث، شناخت راویان و مصنفان منابع حدیثی است. این امر از آن رو اهمیت و ضرورت دارد که در دانش علم الحدیث میزان اطمینان و اعتماد به هر منبع حدیثی با میزان اطلاعات و شخصیت رجالی و حدیثی مؤلف آن پیوندی وثیق دارد؛ به گونه‌ای که هر اندازه میزان اطلاعات و تبحر مؤلف در علم حدیث وسیع باشد، درجه اعتماد بر آثار و تألیفات او نیز افزون‌تر می‌شود.

یکی از محدثان بزرگ و تأثیرگذار اهل سنت، محیی‌الدین یحیی بن شرف نووی است که همه دست‌اندرکاران دانش حدیث، نام او را به واسطه شرح مفصلش بر صحیح مسلم می‌شناسند. نووی با وجود عمر کوتاهش، آثار و تألیفات گران‌بهایی را در حوزه حدیث و سایر علوم اسلامی از خود به یادگار گذاشته و از این رهگذر در شمار مهم‌ترین دانشمندان اهل سنت درآمده است. در این پژوهش به کتابشناسی آثار و احوال نووی و منابعی که در معرفی شرح حال یا آثار وی تا کنون به رشته تحریر درآمده است، پرداخته‌ایم سپس شخصیت علمی و شرح ناتمام او بر صحیح بخاری را که یکی از کتاب‌های مهم و پرارزش اوست، مورد بررسی قرار داده‌ایم. درباره شرح حال و آثار نووی تاکنون مقالات و کتاب‌هایی چند تدوین شده است که در این مقاله به معرفی همه آنها خواهیم پرداخت؛ اما این پژوهش از نظر ارائه کتابشناسی جامع درباره نووی و نیز معرفی کامل شرح ناتمام وی بر صحیح بخاری، پژوهشی جدید و سودمند به شمار می‌رود؛ زیرا در اختیار داشتن کتابشناسی جامع درباره موضوعی که بتواند همه منابع موجود حول آن موضوع را معرفی کند، می‌تواند محققان را در شناخت هر چه بهتر پیشینه موضوع و به دست آوردن تصویری صحیح و نزدیک به واقعیت از آنچه تا کنون انجام شده است و به دنبال آن، غنی‌سازی هر چه بیشتر پژوهش‌ها یاری کند.

## ۱. کتابشناسی نووی

شرح حال نووی را در دو دسته از آثار می‌توان یافت: دسته نخست منابعی است که در ضمن معرفی عالمان و محدثان، در صفحاتی چند - و گاه در حد چند سطر - به بیان شرح حال وی پرداخته‌اند.<sup>۱</sup>

دسته دوم منابعی است که به طور مستقل در معرفی نووی و آثار او به رشته تحریر در آمده است؛ این منابع خود به دو گروه تقسیم می‌شوند:

گروه اول منابعی هستند که در معرفی نووی و آثار او به رشته تحریر در آمده است که از مهم‌ترین این آثار به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

۱. *تحفه الطالبین فی ترجمه الإمام محیی‌الدین از علاء‌الدین علی بن ابراهیم بن عطار، شاگرد نووی (م ۷۲۴) که با تصحیح مشهور حسن آل‌سلیمان به سال ۱۴۲۸ در عمان چاپ شده است.*

۲. *بغیة الراوی فی ترجمه الإمام النووی از محمد بن عبدالرحمن بن علی الکنال قاهری معروف به ابن‌امام الکاملیه (م ۸۷۴) که با تصحیح عبدالرئوف بن محمد الکمالی به سال ۱۴۳۱ در بیروت به چاپ رسیده است.*

۳. *المنهل العذب الروی فی ترجمه الإمام النووی از محمد بن عبدالرحمن سخاوی (م ۹۰۲) که با تصحیح احمد فرید المزیدی به سال ۱۴۲۶ در بیروت چاپ شده است.*

۴. *المنهاج السوی فی ترجمه الإمام النووی از سیوطی (م ۹۱۱) که با تصحیح احمد شفیق دمج به سال ۱۴۰۸ در بیروت چاپ شده است.*

۵. *تحفه الطالب و المنتهی فی ترجمه الإمام النووی؛ که سخاوی در المنهل الروی از این کتاب یاد کرده است،<sup>۲</sup> اما ظاهراً این کتاب به چاپ نرسیده است.*

۶. *الإمام النووی شیخ الإسلام و المسلمین و عمدة الفقهاء و المحدثین از عبدالغنی الدقر که به سال ۱۴۰۷ در دمشق به طبع رسیده است.*

۷. *الإمام النووی از شیخ علی الطنطاوی که به سال ۱۹۸۸ در دمشق به چاپ رسیده است.*

۸. الإمام النووي واثره في الحديث وعلومه از احمد عبدالعزيز الحداد که به سال ۱۹۹۲ در بیروت منتشر شده است.

۹. الإمام النووي شيخ المحدثين والفقهاء از کامل محمد عویضه که به سال ۱۹۹۵ در بیروت چاپ شده است.

۱۰. الأحادیث والآثار التي حکم علیها الإمام النووي فی کتبه از ناصر بن سعود السلامه که در سال ۱۹۹۹ در ریاض منتشر شده است.

گروه دوم رساله‌هایی است که درباره افکار و اندیشه‌های نووی نگاشته شده است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. رساله دکتری با عنوان الآراء الأصولیه عند الإمام النووي المتعلقة بمباحث الألفاظ و التطبيق علیها من کتاب شرح صحیح مسلم از عزالدین محمد عمر به راهنمایی علی بن عباس الحکمی در دانشگاه ام‌القری مکه به سال ۱۴۱۸؛

۲. رساله دکتری با عنوان الإمام النووي و أثره فی الفقه الإسلامی از محمود رجا مصطفی حمدان، در دانشگاه پنجاب پاکستان.

۳. رساله دکتری با عنوان شرح صحیح مسلم بین القاضی عیاض والإمام النووی دراسة موازنة از محمد هزبر سعید محمد المخلافي به سال ۲۰۰۴.<sup>۳</sup>

۲. نووی؛ شرح حال و آثار

محبی‌الدین یحیی بن شرف بن مُری بن حسن بن حسین بن محمد بن جمعه بن حِزام الحِزامیّ الحورانیّ النوویّ الدمشقیّ یکی از دانشمندان پرکار و صاحب تأثیر اهل سنت است که آثار بسیاری را در زمینه حدیث از خود بر جای گذاشته است. میزان تأثیرگذاری او در دانش‌های دینی اهل سنت به قدری بود که برخی او را مجدد مذهب در قرن هفتم خوانده‌اند.<sup>۴</sup> کنیه‌اش ابوزکریا است؛ در بیان وجه این کنیه گفته‌اند که عرب هر فردی را که نامش یحیی باشد، ابوزکریا کنیه می‌دهد تا التفاتی به یحیی و زکریای پیامبر باشد.<sup>۵</sup> لقبش محبی‌الدین است که

ظاهراً در زمان حیاتش بدان ملقب شده است.<sup>۶</sup> برخی گفته‌اند که نسب وی به حکیم بن حزام از صحابه پیامبر می‌رسد؛ اما خود نووی این انتساب را نادرست قلمداد کرده است.<sup>۷</sup> دانشمندان، تولد او را به اتفاق محرم سال ۶۳۱ هجری یاد کرده‌اند. شاگردش ابن عطار، تولد او را دهه دوم محرم همان سال یاد کرده است.<sup>۸</sup> پدرش مردی سلیم‌النفس بوده که بر پایه آنچه در منابع آمده است، در امر حلال و حرام، به شدت سختگیر و دقیق بوده است.<sup>۹</sup> وی ده ساله بود که پدرش به اشاره شیخ یاسین مراکشی (م ۶۸۷)<sup>۱۰</sup> او را به مجلس آموزش قرآن رهسپار کرد و پیش از رسیدن به بلوغ، قرائت قرآن را ختم کرد.<sup>۱۱</sup> وی در سال ۶۴۹، در نوزده سالگی به همت و راهنمایی پدرش جهت تحصیل علم وارد مدرسه رواجیه دمشق شد<sup>۱۲</sup> و تا آخر عمر در همانجا اقامت گزید<sup>۱۳</sup> و چنان‌که خود می‌گوید دو سال تمام بدون هیچ استراحتی و با قناعت به جیره روزانه مدرسه به حفظ کتاب *التنبیه ابواسحاق ابراهیم بن علی فیروزآبادی* همت گماشت و در کمتر از پنج ماه موفق به حفظ آن شد و در بقیه سال به حفظ یک چهارم از بخش عبادات کتاب *المهذب ابواسحاق فیروزآبادی* پرداخت.<sup>۱۴</sup> وی درباره برنامه روزانه‌اش در مدرسه رواجیه می‌گوید:

هر روز دوازده درس را به صورت شرح و تصحیح بر مشایخ خود می‌خواندم؛ دو درس از کتاب *الوسیط*، یک درس از کتاب *المهذب*، یک درس از کتاب *الجمع بین الصحیحین*، یک درس از کتاب *صحیح مسلم*، یک درس از کتاب *اللمع ابن جنی* در نحو، یک درس از کتاب *اصلاح المنطق ابن سکیت* در لغت، یک درس از کتاب *التصریف*، یک درس از اصول فقه - که گاه از کتاب *اللمع ابی اسحاق* و گاه از کتاب *المنتخب فخرالدین رازی* تدریس می‌شد - یک درس درباره اسماء الرجال و یک درس درباره اصول دین و در تمامی این دروس تعلیقه‌هایی بر این کتاب‌ها از شرح لغات مشکل و ایضاح عبارات و ضبط لغات می‌نوشتم.<sup>۱۵</sup>

با چنین همتی بود که نووی در طول عمر کوتاه خود، که از ۴۵ سال تجاوز نمی‌کند،<sup>۱۶</sup> توانست در ردیف برترین دانشمندان عصر خود و یکی از تأثیرگذارترین آن‌ها قرار بگیرد. وی در سال ۶۶۵ پس از شهاب‌الدین مقدسی معروف به ابی‌شامه، به ریاست دارالحدیث اشرفیه دمشق

منسوب شد در حالی که در آن زمان به گفته شاگردش ابن عطار دانشمندانی مسن تر از او نیز در آن دیار بودند.<sup>۱۷</sup>

## ۲-۱. فضای سیاسی و فرهنگی عصر نووی

از نظر سیاسی وی در اواخر حکومت ایوبیان می‌زیست و این دوران به دلیل امنیت و آرامش نسبی حاکم بر آن زمان از امتیاز خاصی برخوردار است؛ چرا که این دوران مقارن با سال‌های پایانی جنگ‌های صلیبی و استقرار آرامش بر بلاد شام است.<sup>۱۸</sup> از نظر فرهنگی نیز قرن‌های هفتم و هشتم از قرون طلایی تمدن اسلامی به شمار می‌رود؛ چرا که این دو قرن، به ویژه در میان اهل سنت، عصر ظهور دانشمندان بزرگی چون ابن عساکر، رافعی، ابن صلاح، ابن خلکان، یاقوت حموی و ابوشامه مقدسی و ... و دوران تألیف کتاب‌های ارزشمندی چون تاریخ حلب، وفيات الأعیان، معجم البلدان و ... است. از این رو این دوره را دوران طلایی علمی اهل سنت و عصر اجتهاد نامیده‌اند.<sup>۱۹</sup>

## ۲-۲. مشایخ و شاگردان نووی

وی در مدت اقامتش در مدرسه رواجیه از مشایخ بسیاری کسب علم کرد که مهم‌ترین آن‌ها در حدیث عبارت‌اند از:

۱. ضیاءالدین ابوالسحاق ابراهیم بن عیسی المرادی الأندلسی (م ۶۶۷)؛ نووی از وی فقه الحدیث را فراگرفت و شرح صحیح مسلم و بخش اعظمی از صحیح بخاری را از او فرا گرفت و نیز بخش اعظمی از کتاب الجمع بین الصحیحین حمیدی را هم از او فراگرفت.<sup>۲۰</sup>
۲. ابوالسحاق ابراهیم بن علی بن أحمد معروف به ابن الواسطی (م ۶۹۲)؛ ابن عطار او را در ردیف مشایخ نووی برشمرده است.<sup>۲۱</sup>
۳. أحمد بن عبدالدائم بن نعمه بن أحمد المقدسی (م ۶۶۸)؛<sup>۲۲</sup>
۴. إسماعیل بن ابراهیم بن ابی الیسر التنوخی العمری الأصل (م ۶۷۲)؛<sup>۲۳</sup>

۵. خالد بن یوسف النابلسی (م ۶۶۳)؛ نووی کتاب *الکمال فی أسماء الرجال* مقدسی را نزد او خواند و تعلیقات و حواشی‌ای بر آن نگاشت.<sup>۲۴</sup>

۶. عبدالرحمن بن سالم بن یحیی بن خمیس أنصاری (م ۶۶۱)؛<sup>۲۵</sup>

۷. عبدالرحمن بن محمد بن قدامه المقدسی (م ۶۸۲)؛<sup>۲۶</sup>

۸. محمد بن محمد بن ابی‌الفتوح بن عمروک القرشی التیمی (م ۶۶۵)؛<sup>۲۷</sup>

۹. یحیی بن ابی‌منصور بن ابی‌الفتح الصیرفی الحرانی (م ۶۷۸)؛<sup>۲۸</sup>

۱۰. ابراهیم بن عمر بن مضر بن محمد بن فارس البرزی (م ۶۶۴)؛<sup>۲۹</sup>

و بسیاری دیگر از عالمان و اندیشوران زمان وی که برای پرهیز از اطاله کلام از یادکرد آن‌ها خودداری شد.<sup>۳۰</sup>

وی در مدت زمان کوتاه تدریس خود شاگردان بسیاری را تربیت کرد و بسیاری از مشایخ فقه و حدیث و رجال اهل سنت از شاگردان بی‌واسطه او به شمار می‌روند که در میان آن‌ها نام افراد مشهوری چون علاءالدین بن عطار - که به علت ارتباط تنگاتنگش با نووی و درک پیوسته محضر او به مختصر النووی مشهور است - جمال‌الدین یوسف مزی صاحب *تهذیب الکمال* و قاضی بدرالدین بن جماعة و ... را می‌توان نام برد.<sup>۳۱</sup>

## ۲-۳. تألیفات نووی

وی با وجود عمر کوتاهش، در مدت زمان کوتاه بیست و پنج ساله تحصیل و تدریس، آثار و تألیفات بسیاری را از خود بر جای گذاشته است که برخی از آن‌ها به چاپ رسیده و برخی نیز متأسفانه هنوز به زیور طبع مزین نشده است. مهم‌ترین آثار چاپ‌شده نووی به شرح زیر است:

۱. *المنهاج شرح صحیح مسلم بن حجاج*؛ که مهم‌ترین اثر حدیثی نووی است و در پنج جلد به طبع رسیده است.<sup>۳۲</sup> وی در سال ۶۷۴، یعنی دو سال پیش از وفاتش، از تدوین این کتاب فراغت یافت.

۲. *التلخیص شرح الجامع الصحیح*؛ که در این مقاله معرفی خواهد شد.

۳. الإيجاز فی شرح سنن أبي داود السجستاني؛ که تا اواسط باب وضو شرح نموده است. سخاوی بر این باور است که شهاب بن رسلان شرح خود را بر کتاب ابی داوود بر پایه همین شرح نووی نگاشته است.<sup>۳۳</sup> این کتاب به تصحیح حسین بن عکاشه در ۳۲۴ صفحه به چاپ رسیده است.<sup>۳۴</sup>

۴. خلاصة الأحكام فی مهمات السنن و القواعد و الأحكام؛ که به تصحیح حسین اسماعیل الجمل در دو جلد و ۱۲۷۲ صفحه به چاپ رسیده است. ابن ملقن درباره این کتاب می‌گوید: «این کتاب را به خط نووی دیدم و اگر تکمیل می‌شد در موضوع خودش بی‌نظیر می‌بود.»<sup>۳۵</sup>

۵. ریاض الصالحین من کلام رسول الله سید العارفین؛ در موضوع زهد که در آن خود را ملزم به ذکر روایات صحیح نموده است. این کتاب بارها به چاپ رسیده است.<sup>۳۶</sup>

۶. الأذکار من کلام سید الأبرار؛ حاجی خلیفه، زرکلی و سرکیس از این کتاب با عنوان «حلیة الأبرار و شعار الاخیار فی تلخیص الدعوات و الاذکار» یاد کرده‌اند.<sup>۳۷</sup> این کتاب نیز چاپ‌های متعددی دارد. نووی درباره این کتاب می‌گوید: «روایت این کتاب را برای همه مسلمانان اجازه داده‌ام.»<sup>۳۸</sup>

۷. الأربعون فی مبانی الإسلام و قواعد الأحكام که در سال ۱۲۹۴ در قاهره به چاپ رسیده و شروح متعددی بر آن نگاشته شده است. سرکیس و زرکلی نام این کتاب را الأربعون حدیثاً النبویة فی الأحادیث الصحیحة النبویة ذکر کرده‌اند.<sup>۳۹</sup>

۸. إرشاد طلاب الحقائق إلى معرفة سنن خیر الخلائق که در آن کتاب ابن صلاح را تلخیص کرده است؛ این کتاب به سال ۱۴۰۸ با تصحیح عبدالباری فتح‌الله السلفی در دو جلد و ۱۰۰۵ صفحه در مدینه به چاپ رسیده است. همچنین در سال ۱۴۱۱ با تصحیح نورالدین عتر در ۲۹۵ صفحه در بیروت چاپ شده است.

۹. التقریب و التیسیر فی معرفة سنن البشیر النذیر؛ که خلاصه کتاب قبلی است که به سال ۱۳۵۱ در ۴۸ صفحه در قاهره چاپ شده است. این کتاب به زبان فرانسه نیز ترجمه و به چاپ رسیده است.<sup>۴۰</sup>



۱۰. الإشارات إلى بيان أسماء المبهمات که در آن کتاب الأسماء المبهمة فی الأنباء المحکمة خطیب بغدادی (م ۴۶۳) را به همراه زیاداتی خلاصه کرده است. این کتاب به سال ۱۳۴۱ قمری در لاهور به صورت سنگی به چاپ رسیده و سپس در سال ۱۴۰۵ با تصحیح علی السید در آخر کتاب الأسماء المبهمة بغدادی چاپ شده است.

۱۱. الإيضاح فی المناسک علی مذهب الإمام الشافعی<sup>۴۱</sup> که در سال ۱۳۱۶ در مکه به چاپ رسیده است.<sup>۴۲</sup> صاحب مرآة الجنان در شرح حال نووی از کتابی به نام المناسک نام برده است که احتمالاً منظورش همین کتاب بوده است.<sup>۴۳</sup>

۱۲. تصحیح التنبيه که بدان العمدة فی تصحیح التنبيه هم گفته‌اند و آن کتابی است که در آن ملاحظاتی درباره کتاب التنبيه ابواسحاق شیرازی آورده است. به گفته سرکیس این کتاب به سال ۱۳۲۹، در حاشیه التنبيه ابواسحاق ابراهیم شیرازی در مصر به چاپ رسیده است.<sup>۴۴</sup>

۱۳. تهذيب الأسماء و اللغات<sup>۴۵</sup> که به گفته سیوطی خود موفق به پاکنویس آن نشد و شاگردش مزی این کتاب را پاکنویس کرد.<sup>۴۶</sup>

۱۴. المجموع؛ شرح المهدب که در آن کتاب المهدب شیرازی را شرح نموده است.<sup>۴۷</sup> این کتاب را در فقه شافعی بی‌نظیر خوانده‌اند.<sup>۴۸</sup>

۱۵. التبيين فی آداب حملة القرآن<sup>۴۹</sup> که به گفته سرکیس در سال ۱۲۸۶ در حاشیه کتاب منار الهدی فی بیان الوقف و الابتداء احمد بن عبدالکریم الإشمونی در مصر به چاپ رسیده است.<sup>۵۰</sup> البته خیرالدین زرکلی در لیست آثار نووی، کتاب منار الهدی را از مؤلفات نووی دانسته است<sup>۵۱</sup> که به نظر می‌رسد اشتباه باشد؛ زیرا این کتاب از تألیفات اشمونی است.

۱۶. الترخیص و القيام لذوی الفضل و المزیة من أهل السلام علی جهة البر و التوقیر و الإحترام لا علی جهة الریاء و الإعظام که در موضوع فقه است و در مصر به چاپ رسیده است.<sup>۵۲</sup>

۱۷. روضة الطالبین و عمدة المفتین در فقه شافعی که در سال ۱۹۸۰ در بیروت به طبع رسیده است.<sup>۵۳</sup> این کتاب خلاصه کتاب فتح العزیز فی شرح الوجیز رافعی است و حجم آن به اندازه حجم شرح صحیح مسلم است.<sup>۵۴</sup>

۱۸. منهاج الطالبین و عمدة المفتین که نباید شباهت نام آن باعث شود که آن را با کتاب قبلی اشتباه گرفت؛ چرا که این کتاب خلاصه کتاب المحرر در موضوع فروع فقہی شافعیه است و بارها به چاپ رسیده است.<sup>۵۵</sup>

۱۹. المقاصد النووی که کتابی کوچک در موضوع توحید و عبادت و تصوف است که به سال ۱۳۲۴ در بیروت به چاپ رسیده است.<sup>۵۶</sup>

۲۰. المنشورات که ظاهراً حاوی فتاوی نووی است.<sup>۵۷</sup> سرکیس بدان اشاره نکرده است.

۲۱. بستان العارفین، که زرکلی آن را در ردیف آثار مطبوع نووی نام برده است.<sup>۵۸</sup>

اما برخی از کتاب‌های وی هنوز به چاپ نرسیده است که مهم‌ترین آنها به شرح زیر است:

۱. قطعة من الإملاء علی حدیث «إنما الأعمال بالنیات» که طبق گفته سخاوی برخی از عالمان

آن را الأمالی نام نهاده‌اند و آن کتاب مهم و نفیسی بوده که در اواخر عمرش نگاشته است.<sup>۵۹</sup>

۲. جامع السنّة که سخاوی آن را از تصانیف او شمرده است.<sup>۶۰</sup>

۳. جزء مشتمل علی احادیث رباعیات؛ نووی در شرح صحیح بخاری ذیل یکی از احادیث

می‌نویسد: «این حدیث دارای نکته لطیفی است و آن اینکه در سند آن چهار تابعی وجود دارد

و من در این زمینه کتابی نگاشته‌ام که شامل احادیث رباعیات است که در آنها چهار صحابی یا

چهار تابعی از یکدیگر روایت کرده‌اند.»<sup>۶۱</sup> روشن است که اشاره او به همین کتاب است که ذکر

آن رفت.

۴. مناقب الشافعی<sup>۶۲</sup> که خلاصه‌ای از کتاب بیهقی در یک جلد است.

۵. مختصر طبقات الفقهاء الشافعیة که در آن کتاب ابن صلاح را خلاصه نموده و نام‌هایی را نیز

در تراجم آن اضافه کرده است.<sup>۶۳</sup>

علاوه بر کتاب‌های یادشده، دو اثر دیگر نیز به نووی منسوب است که البته اسنوی این نسبت

را رد کرده است؛ یکی کتاب النهایة فی إختصار الغایة که در کتابخانه ظاهریه نگهداری می‌شود

و دیگری کتاب أغالیط علی الوسیط که به مباحث فقہی و بعضاً حدیثی اشاره دارد و ابن الرفعه

در شرح الوسیط، آن را به نووی نسبت داده است که اسنوی این نسبت را به دلیل اینکه شاگرد نووی ابن عطار بدان اشاره نکرده است، رد نموده است.<sup>۶۴</sup>

### ۳. شرح ناتمام نووی بر صحیح بخاری

یکی از آثار مهم نووی در حدیث، شرح او بر صحیح بخاری است که هر چند ناتمام مانده؛ اما همان میزان هم که شرح شده است، حاوی اطلاعات ذی‌قیمتی در دانش حدیث و به ویژه ویژگی‌های کتاب بخاری است. در نسخه‌های سه‌گانه‌ای که از این کتاب به طبع رسیده، نام خاصی برای آن ذکر نشده است. نووی خود در کتاب تهذیب الأسماء در ترجمه بخاری با این عبارت به این کتاب اشاره می‌کند: «آن مطلب را به طور مفصل در اول شرح صحیح بخاری آورده‌ام.»<sup>۶۵</sup> در کتاب *بستان العارفين* نیز در دو جا به این کتاب اشاره کرده است.<sup>۶۶</sup> بنابراین، می‌توان گفت که در صحت انتساب این کتاب به نووی تردیدی نیست و بسیاری از عالمان چون ابن عطار،<sup>۶۷</sup> ذهبی،<sup>۶۸</sup> ابن قاضی شهبه،<sup>۶۹</sup> سیوطی<sup>۷۰</sup> و بغدادی<sup>۷۱</sup> این کتاب را بدو نسبت داده‌اند. تنها کسی که نامی برای این کتاب ذکر کرده، سخاوی است که در ترجمه نووی اشاره کرده است که وی بخشی از کتاب بخاری را تا آخر کتاب العلم شرح نموده است که نامش «التلخیص» است.<sup>۷۲</sup> آن‌گونه که از قرائن و شواهد بر می‌آید، این کتاب از آخرین نگاهشده‌های نووی است که پیش از اتمام آن وفات یافته است. نکته درخور توجه مقدمه سودمند کتاب است که در شناخت صحیح بخاری بسیار مفید است. وی در این مقدمه نخست به ده نکته مهم درباره صحیح بخاری اشاره می‌کند. این ده مطلب عبارت‌اند از:

۱. ذکر مهم‌ترین راوی صحیح بخاری؛ نووی از میان همه راویان صحیح بخاری، تنها به مشهورترین روایت آن، یعنی روایت محمد بن یوسف فربری، توجه کرده و شرح خود را بر پایه روایت فربری از صحیح بخاری تنظیم کرده است.
۲. یادکرد هفت تن از راویان صحیح بخاری از فربری؛

۳. یادکرد مشهورترین این روایت‌ها در منطقه شام که همان روایت سجزی از داودی از حموی از فربری است.

۴. ترجمه‌ای موجز از بخاری که در آن تنها به نام، نسب، کنیه، تحصیلات، اطراف احادیث وی، مشایخ و شاگردان وی اشاره کرده است.

۵. معرفی کتاب صحیح بخاری و ذکر سبب تألیف و کیفیت گردآوری و تدوین کتاب.

۶. بحثی درباره تعداد احادیث صحیح بخاری که وی آن را ۷۲۷۵ حدیث و با حذف مکررات حدود ۴۰۰۰ حدیث ذکر کرده است. به نظر می‌رسد وی در این شمارش از شمارش حموی پیروی کرده است؛ چنان‌که ذهبی می‌گوید:

حموی کتابچه‌ای دارد که در آن ابواب صحیح و احادیث هر باب را شمرده و محی‌الدین نووی همین شمارش را در اول شرح خود آورده است.<sup>۷۳</sup>

ابن حجر در هدی الساری از این کار نووی انتقاد می‌کند و می‌نویسد:

بسیاری از محدثان تنها به نقل تقلیدی کلام پیشینیان دل خوش کرده‌اند و چه بسیار که سخن نقل شده چندان استوار نیست و این محدثان تنها از ظن پیروی کرده و این سخنان را بدون تتبع نقل می‌کنند. در حالی که اشتباه حموی در شمارش ابواب و احادیث صحیح بسیار آشکار است.<sup>۷۴</sup>

۷. بیان دلایل تکرار احادیث در کتاب صحیح بخاری و فواید آن.

۸. تقسیم‌بندی مشایخ بخاری در پنج طبقه که در این تقسیم‌بندی از حافظ مقدسی پیروی کرده است.

۹. فصلی درباره جایگاه بخاری و منزلت و علم او.

۱۰. بیان طریق خود به کتاب بخاری و ترجمه یک‌یک راویان طریق خود از قبیل فربری، حموی، ابوالوقت، زبیدی و شیخ خود ابو محمد عبدالرحمن بن محمد بن احمد بن محمد بن قدامه.

- نووی پس از این مباحث دهگانه درباره صحیح بخاری، بیست فصل کوتاه را درباره قواعد علوم حدیث سامان داده است که عناوین این فصول به ترتیب عبارت‌اند از:
۱. عدم ثبوت جرح غیرمفسر؛
  ۲. رد دارقطنی در استدراکش بر مسلم؛
  ۳. تعریف حدیث مرفوع، موقوف، مقطوع، منقطع و مرسل؛
  ۴. اختلاف وصل و ارسال؛
  ۵. زیادات الثقات؛
  ۶. فصلی درباره سخن برخی از صحابه که گفته‌اند: «امرنا بكذا» یا «نهینا عن كذا» و غیر آن و احکام آن؛
  ۷. فصلی درباره اسناد معنعن؛
  ۸. تدلیس و اقسام آن؛
  ۹. اختلاط ثقات؛
  ۱۰. اعتبار و متابعه و شواهد؛
  ۱۱. فصلی درباره اعتبار سخن صحابی درباره خودش که کسی با آن مخالفت نکرده و این سخن انتشار نیافته است، آیا این اجماع است یا خیر؟
  ۱۲. حکم عمل به احادیث ضعیف؛
  ۱۳. صیغه‌های بیان‌کننده احادیث ضعیف؛
  ۱۴. حکم آثار و احادیثی که بخاری در تراجم ابوابش آورده است؛
  ۱۵. حکم نقل به معنا؛
  ۱۶. فصلی در حکم تغییر «نبی» به «رسول» یا برعکس در متن روایت؛
  ۱۷. حکم کسی که در نسب یا وصف راویانی غیر از شیخ بلاواسطه خود چیزی را اضافه کند؛
  ۱۸. حکم تقدیم بخشی از متن بر بخشی دیگر؛
  ۱۹. تعریف صحابی و تابعی؛



۲۰. ضبط اسماء متکرره در صحیحین؛ که این بخش یکی از مهم‌ترین فصول این کتاب است. وی این فصل را با ذکر هفت نسب از انساب مشهور عرب به پایان می‌رساند.

### ۳-۱. سبب تألیف کتاب

اغلب مؤلفان کتب متقدم در مقدمه کتاب‌هایشان به سبب تألیف کتاب هم اشاره کرده‌اند که نووی نیز از این قاعده مستثنی نیست. وی در مقدمه این کتاب، همانند اغلب محدثان و عالمان سنی، اشاره می‌کند که صحیح‌ترین کتاب‌ها که نظیری برای آن دو یافت نمی‌شود، صحیح بخاری و صحیح مسلم است و از این رو سزاوار است که به این دو کتاب توجه شود و شروح بسیاری بر آن دو نوشته و منتشر گردد تا زوایای پنهان این دو کتاب آشکار گردد و دقائق متون و اسانید آن‌ها روشن گردد. وی سپس اشاره می‌کند که خود، درباره صحیح مسلم شرح مفصلی تدوین نموده است. آنگاه اشاره می‌کند که برای نگارش شرح صحیح بخاری نیز استخاره کرده است که کتابی بنویسد که نه زیاد مختصر باشد که حق مطلب ادا نشود و نه زیاد مفصل باشد که باعث ملال خواننده شود و زمانی که جواب استخاره خوب آمده، به نگارش این شرح اقدام نموده است. وی در همین مقدمه اشاره می‌کند که اگر ضعف همت خوانندگان و کاهش استقبال ایشان نبود، من می‌توانستم نزدیک صد جلد در شرح بخاری مطلب بنویسم، در حالی که در همه این صد جلد از سخنان تکراری و بیهوده خودداری می‌کردم و این بدان خاطر است که کتاب صحیح بخاری دارای مطالب و دانش‌های بسیاری است؛ اما من در این شرح راه میانه می‌پیمایم که نه طولانی شود و نه خیلی مختصر گردد. آنگاه نووی به علم حدیث و شرف حاملان آن و لزوم اهتمام به دانش حدیث می‌پردازد.<sup>۷۵</sup>

### ۳-۲. روش نووی در شرح صحیح بخاری

همان‌گونه که در مقدمه کتاب اشاره شده است، شیوه کلی نگارنده در تدوین این شرح رعایت حال متوسط است؛ یعنی نه زیاد طولانی و نه زیاد مختصر؛ اما مهم‌ترین اطلاعاتی که ذیل هر حدیث می‌توان در این کتاب یافت به شرح زیر است:

۱. احکام اصول و فروع دین؛
۲. مطالب اخلاقی؛
۳. اشارات زاهدانه؛
۴. مطالبی درباره اصول قواعد شرعیه؛
۵. معانی الفاظ احادیث؛
۶. اسامی رجال احادیث؛
۷. ضبط مشکلات احادیث؛
۸. بیان اسامی مشهور به کنیه و اسامی منتسب به پدر و اسامی مبهم؛
۹. نکات لطیف درباره احوال راویان هر حدیث؛
۱۰. بیان لطایفی از ریزه‌کاری‌های علم حدیث در لابلاي متون و اسانید روایات؛
۱۱. ضبط اسامی مؤلف و مختلف؛
۱۲. جمع بین روایاتی که به ظاهر متعارض می‌نمایند؛
۱۳. مسائل عملی موجود در هر حدیث؛
۱۴. سایر نکات موجود در هر حدیث.

نکته مهمی که در سبک‌شناسی این کتاب در خور توجه است، وفاداری نویسنده به اصل کلی اشاره‌شده در مقدمه کتاب (یعنی رعایت حالت توسط) است؛ به گونه‌ای که وی از ذکر مطالب تکراری خودداری کرده و در زمان‌هایی که اصل حدیث در کتاب صحیح تکراری باشد، یا نامی از نام‌های راویان یا یکی از واژگان حدیث تکراری باشد، از تکرار مطالب خودداری کرده و به صفحات پیشین ارجاع داده است. برای آشنایی بیشتر با تلاش علمی نووی در این کتاب، در زیر با نمونه‌ای از احادیث بخاری که وی شرح کرده است، آشنا می‌شویم:

وی در کتاب الإیمان، باب «الزکاة من الإسلام» در شرح حدیث اول باب، حدود ده صفحه اطلاعات علمی ارائه داده است؛ نخست به ذکر حدیثی پرداخته که بخاری در کتاب خود آورده و آن حدیث را عیناً در اینجا ذکر کرده است.<sup>۷۴</sup> سپس ذیل عنوان «أطراف الحدیث»، شماره

تمام احادیثی را که با این حدیث مشابه هستند، ذکر کرده و آنگاه ذیل عنوان «الشرح» به شرح حدیث پرداخته است.<sup>۷۷</sup> در شرح حدیث نخست به رجال سند پرداخته و می‌گوید: «اما رجال الإسناد فسبق ذکرهم إلا طلحة و هو...» و بدین ترتیب از تکرار مطالب قبلی خودداری می‌کند و تنها ترجمه طلحه را که پیش از این بیان نداشته است، بیان می‌کند. در ترجمه طلحه نیز علاوه بر ذکر نسب کامل وی، بخشی از اقدامات او را بیان می‌کند و آنگاه میزان روایت‌های او را ذکر می‌کند. سپس به تعداد روایات بخاری و مسلم از او اشاره می‌کند و مطلب را با ذکر تاریخ وفات او و راویان وی و نیز حدیثی از پیامبر در فضیلت او به پایان می‌رساند.<sup>۷۸</sup> آنگاه فصل جدیدی با عنوان «فی لغات الباب و الفاظه» می‌گشاید و در آن تمامی لغات مشکل و غریب حدیث را بیان می‌کند. واژه‌هایی مثل «حنفاء»، «نجد»، «تأثر الناس»، «تسمع دوی صوته» و «تطوع» از لغاتی هستند که در حدیث مذکور در صدر این باب آمده و نووی در این فصل به شرح معانی آنها پرداخته است.<sup>۷۹</sup> سپس در فصلی جدید تحت عنوان «احکام الباب» مسائل فقهی موجود در حدیث را بیان می‌کند و در آن بحث را با بیان دیدگاه‌های فقهایی مثل شافعی، اصطخری، ابوحنیفه و دیگران غنا می‌بخشد.<sup>۸۰</sup> سپس جملات حدیث را جمله به جمله می‌آورد و ذیل هر جمله، آن را شرح می‌کند و بدین ترتیب شرح حدیث را به پایان می‌رساند.

### ۳-۳. مصادر نووی در شرح بخاری

هر چند شیوه نویسندگان در تألیف کتاب‌هایشان در روزگاران گذشته با شیوه‌های کنونی متفاوت بود و مؤلفان آثار در مطالب خود کمتر به ارجاع‌دهی و معرفی منابع مطالب خود می‌پرداختند؛ اما از لابلای گفتار آنها در متن کتاب‌ها و نیز از بررسی مقدمه کتاب‌ها می‌توان منابع هر نویسنده را در تألیف کتابش به دست آورد. نووی در مقدمه شرحش ذکری از مصادر خود به میان نیاورده است، از این رو استخراج فهرست مصادری که وی برای شرح صحیح بخاری از آنها بهره برده است، کمی دشوار است، با این حال برخی از محققان در سده‌های اخیر در این زمینه مطالعاتی انجام داده و فهرستی از مصادر نووی در تدوین شرح بخاری را



استخراج کرده‌اند که یکی از کامل‌ترین این فهرست‌ها، فهرستی است که نظر محمد فاریابی در مقدمه‌اش بر شرح صحیح بخاری از مصادر و منابع نووی در تدوین این کتاب ارائه داده است. وی در این لیست به حدود هشتاد کتاب مهم اشاره کرده است که نووی در تدوین شرح خود از آن‌ها بهره برده است که در آن میان نام کتاب‌های معروفی چون استیعاب ابن عبدالبر، اصلاح المنطق ابن سکیت، اعلام الحدیث خطابی، الانساب سمعانی، التاریخ الكبير و التاریخ الاوسط بخاری، تاریخ بغداد خطیب بغدادی، تاریخ مدینه دمشق ابن عساکر، تأویل مختلف الحدیث دینوری، تهذیب اللغة ازهری، الثقات ابن حبان، جامع ترمذی، الجرح و التعديل رازی، الجمع بین الصحیحین حمیدی، دلائل النبوة بیهقی، الرسالة القشیریه قشیری نیشابوری، سنن ابی داود، شرح السنة بغوی، شعب الایمان بیهقی، الصحاح جوهری، الطبقات ابن سعد، عارضة الاحوذی فی شرح سنن الترمذی ابن العربی، العین خلیل، غریب الحدیث خطابی، الکتاب سبویه، الکفایة خطیب بغدادی، الکمال فی اسماء الرجال مقدسی، المجتبی من السنن نسائی، مسند ابی یعلی، مسند ابی عوانه، مسند الشهاب، معالم السنن خطابی، معجم مقاییس اللغة ابن فارس و النکت و العیون ماوردی و ... وجود دارد.<sup>۸۱</sup>

### ۳-۴. نسخه‌های کتاب

ظاهراً از این کتاب تنها سه نسخه خطی شناخته شده در دنیا وجود دارد که مشخصات این نسخ به شرح زیر است:

۱. نسخه کتابخانه قلیچ علی در ترکیه که در ۱۰۹ صفحه ۲۳ سطری به خط نسخ است و با شماره ۲۴۳ در این کتابخانه نگهداری می‌شود. نویسنده این نسخه عبدالله بن یوسف بن بقا السیوطی است که در پنجم رجب سال ۷۰۳ از استنساخ آن فراغت یافته است. طبق بررسی فاریابی، چهار برگ آن افتادگی دارد و نسخه نیز با نسخ دیگر مقابله نشده و دارای اغلاطی است که نشان از عدم تبحر ناسخ دارد.<sup>۸۲</sup>

۲. نسخه کتابخانه الازهر که در ۶۸ صفحه ۲۳ سطری است و با شماره ۴۹۹ در این کتابخانه نگهداری می‌شود. نویسنده آن احمد بن جلال ایجی است که در ۱۳ رجب ۷۷۳ در دمشق از کتابت آن فراغت یافته است و طبق بررسی فاریابی، نسخه ارزشمندی است که بر عالمان زمان خود قرائت شده و ناسخ آن نیز متبحر و دانشمند بوده است.<sup>۸۳</sup>

۳. نسخه کتابخانه عمومی ملک عبدالعزیز ریاض که در ۴۲ صفحه ۲۹ سطری است و با شماره ۲۹۱۵ در این کتابخانه نگهداری می‌شود. قسمتی از آغاز آن افتادگی دارد و نام ناسخ و تاریخ نسخ آن مشخص نیست و مقابله هم نشده است؛ چنان‌که در برخی موارد دارای اغلاط و افتادگی‌هایی است.<sup>۸۴</sup>

### ۵-۳. چاپ‌های کتاب

این کتاب تا کنون سه بار به چاپ رسیده است که مشخصات هر یک از این مطبوعات به شرح زیر است:

۱. چاپ انتشارات منیریه قاهره که در سال ۱۳۴۷ در ۲۸۰ صفحه رحلی، در ضمن شروح *ارشاد الساری قسطلانی و عون الباری قنوجی* منتشر شده و در آن، هر سه شرح در یک صفحه ارائه شده است؛ به گونه‌ای که یک‌سوم بالای هر صفحه به شرح نووی، یک‌سوم میانی به شرح قسطلانی و یک‌سوم پایینی به شرح قنوجی اختصاص یافته است.

۲. چاپ انتشارات دارالعلوم الإنسانیة دمشق که در سال ۱۴۱۸ در ۲۱۹ صفحه به همراه *فهارس با تصحیح مصطفی دیب البغا* منتشر شده است.

۳. چاپ دار طیبیه ریاض که در سال ۱۴۲۹ در دو جلد با تصحیح نظر محمد الفاریابی به چاپ رسیده است. ویژگی مهم این چاپ، مقدمه عالمانه مصحح در ۱۸۰ صفحه است که در آن، ضمن نقد نسخه‌های چاپ‌شده و خطی کتاب و بیان ایرادات و اشکالات نسخه‌های مطبوع پیشین، مقدمه ارزشمندی در بیان شرح حال و آثار نووی و نیز معرفی کتاب ارائه داده است.<sup>۸۵</sup>

## نتیجه

۱. بررسی آثار و تألیفات یحیی بن شرف نووی که از دانشمندان پرکار و صاحب تألیفات بسیار است، از گذشته تاکنون یکی از موضوعات مورد علاقه اندیشمندان اهل سنت بوده است؛ به گونه‌ای که شرح حال او در بیش از چهل مصدر شرح حال، تراجم و تاریخ ذکر شده و حدود ده کتاب مستقل نیز در این زمینه تألیف شده و بیش از بیست عنوان پایان‌نامه در سطوح کارشناسی ارشد و دکتری درباره افکار و اندیشه‌های او در دانشگاه‌های مختلف کشورهای عربی تدوین شده است.

۲. کتاب *التلخیص* او یکی از مهم‌ترین شروح صحیح بخاری است که حاوی اطلاعاتی ارزشمند درباره ویژگی‌های صحیح بخاری، موضوعات مختلف دانش حدیث در شاخه‌های گوناگون آن اعم از رجال و درایه است.

۳. با توجه به احاطه نووی بر دانش‌های حدیثی، مقدمه او بر کتاب *التلخیص* یکی از مهم‌ترین آثار در زمینه علوم حدیث است که حاوی اطلاعات ذی‌قیمتی در زمینه برخی مباحث مهم علوم حدیث نظیر اصطلاحات حدیثی، مبانی رجال و ... است که هیچ اندیشمند و محقق از مراجعه بدان بی‌نیاز نیست.

۴. نووی در تدوین این کتاب راهی میانه در پیش گرفته و از اطناب ممل و ایجاز مخل خودداری کرده و از منابع فراوانی نیز در تدوین این شرح بهره برده است.

## پی‌نوشت‌ها:

۱. برخی از مهم‌ترین این آثار عبارت‌اند از: ابن عماد حنبلی، *عبدالحی العکری*، *شذرات الذهب فی أخیار من ذهب*: ۷، ۶۱۸؛ یونینی، موسی بن محمد، *ذیل مرآة الزمان*، ۳، ۲۸۳؛ سبکی، عبدالوهاب، *طبقات الشافعیه الكبرى*: ۸، ۳۹۵؛ استوی، عبدالرحیم بن حسن، *طبقات الشافعیه*: ۲، ۲۶۶، شماره ۱۱۶۲؛ ابن فوطی، عبدالرزاق بن احمد، *مجمع الآداب فی معجم الألقاب*: ۵، ۱۱۵؛ ذهبی، شمس‌الدین، *دول الإسلام*: ۲، ۱۷۸؛ همو، *تاریخ الإسلام*: ۵۰، ۲۴۶؛ همو، *المعین فی طبقات المحدثین*: ۲۱۵؛ همو، *الإعلام بوفیات الأعلام*: ۲۸۲؛ همو، *تذکرة الحفاظ*: ۴، ۱۴۷۰؛ همو، *العبر فی خبر من غبر*: ۵، ۳۱۲؛ یافعی، عبدالله بن اسعد، *مرآة الجنان*: ۴، ۱۳۸؛ ابن‌کثیر

دمشقی، اسماعیل، طبقات الفقهاء الشافعیین: ۲، ۹۰۸؛ همو، البداية و النهاية: ۱۳، ۳۲۶؛ بیرس، ركب الدين، زبدة الفكر فی تاریخ الهجرة: ۱۶۶؛ کتبی، محمد بن شاکر، عیون التواریخ: ۲۱، ۱۶۰؛ همو، فوات الوفيات: ۲، ۵۹۳، شماره ۵۶۸؛ نویری، شهاب‌الدین احمد، نهاية الأرب فی فنون الأدب: ۳۰، ۳۸۳؛ ابن تغری بردی، یوسف، النجوم الزاهرة: ۷، ۲۳۶؛ همو، الدلیل الشافی علی المنهل الصافی: ۲، ۷۷۵؛ سیوطی، جلال‌الدین، طبقات الحفاظ: ۵۱۳، شماره ۱۱۲۸؛ همو، حسن المحاضرة فی تاریخ مصر و القاهرة: ۲، ۷۵؛ ابن اسباط، احمد بن عمر غربی، صدق الأخبار معروف به تاریخ ابن اسباط: ۱، ۴۵۶؛ طاش کبری زاده، احمد بن مصطفی، مفتاح السعادة و مصباح السيادة فی موضوعات العلوم: ۲، ۵۳؛ حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله، كشف الظنون: ۱، ۵۹؛ بغدادی، اسماعیل پاشا، هدیة العارفين: ۲، ۵۲۴؛ همو، إیضاح المکنون: ۱، ۲۵۲؛ ابن قاضی شهبه، محمد بن عمر، طبقات الشافعية: ۲، ۱۹۴، شماره ۴۵۴؛ برزالی، قاسم بن محمد، المقتفی علی کتاب الروضتين معروف به تاریخ برزالی: ۱، ۴۱۳؛ عینی، بدرالدین محمود، عقد الجمال: ۲، ۱۹۴؛ ابن فرات، محمد بن عبدالرحیم، تاریخ ابن فرات: ۷، ۱۰۷؛ ابن الوردی، عمر بن مظفر، تتممة المختصر فی أخبار البشر معروف به تاریخ ابن الوردی: ۲، ۲۶۳؛ ابن عبدالهادی دمشقی، شمس‌الدین، طبقات علماء الحديث: ۴، ۲۵۴؛ دیاربکری، حسین بن محمد، تاریخ الخمیس فی احوال أنفس نفیس: ۲، ۴۲۴؛ مدرس تبریزی، محمدعلی، ریحانه الأدب: ۶، ۲۶۵؛ مراغی، عبدالله، الفتح المبین فی طبقات الأصولیین: ۲، ۸۱؛ حجوی، محمد بن حسن، الفكر السامی فی تاریخ الفقه الإسلامی: ۴، ۱۷۱، شماره ۸۹۷؛ سرکیس، لیان، معجم المطبوعات العربیة: ۲، ۱۸۷۶؛ کحالة، عمر رضا، معجم المؤلفین: ۱۳، ۲۰۲؛ قیطونی مغربی، ادریس بن الماحی، معجم المطبوعات المغربیة: ۳۴۹، شماره ۷۹۳؛ زرکلی، خیرالدین، الأعلام: ۸، ۱۴؛ ابوغدة، عبدالفتاح، العلماء العزاب الذین آتروا العلم علی الزواج: ۹۲؛ موسوی خوانساری، محمداقبر، روضات الجنات فی أحوال العلماء و السادات: ۸، ۱۹۶.

۲. سخاوی، محمد، المنهل العذب الروی فی ترجمة قطب الاولیاء النووی: ۱۴۸.

۳. آنچه ذکر شد، رساله‌های دکتری موجود در این موضوع است، اما پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد بسیاری نیز در این موضوع نوشته شده است که برخی از آنها به شرح زیر است: بعض آراء الإمام النووی الترویة، از مساعد بن محمدسعد بن مساعد الحربی، به راهنمایی عبدالرحمن عبدالله الشمیری در دانشگاه ام‌القری مکه به سال ۱۴۱۰؛ الإمام النووی و جهوده فی التفسیر از شحادة حمیدی العمری به راهنمایی فضل حسن عباس در دانشگاه اردن به سال ۱۴۰۷؛ تفسیر الإمام النووی؛ جمع و دراسة از ملفی بن ناعم الصاعدی به راهنمایی محمدعمر حویه در دانشگاه ام‌القری مکه به سال ۱۴۱۸؛ النووی وأثره فی علم الحديث از علی حسن السید رضوان در دانشگاه الأزهر مصر به سال ۱۹۶۵؛ جهود الإمام النووی یرحمه الله فی الدعوة إلى الله، از عبدالناصر خلیفة لوغانی به راهنمایی عبدالله بن ضیف‌الله الرحیلی در دانشگاه اسلامی محمد بن سعود به سال ۱۴۲۱؛

المسائل التي حكى الإمام النووي فيها الإجماع جمعاً و دراسةً از عبدالرحمن بن يوسف المسلم به راهنمایي صالح بن عبدالله الحيدان در المعهد العالي للقضاء رياض به سال ۱۴۲۵؛ منهج الإمام النووي في أصول الدين از منيرة بنت حمود البدراني به راهنمایي عبدالرحمن بن صالح الحمود در دانشگاه اسلامي محمد بن سعود به سال ۱۴۱۹؛ الإمام النووي و منهجه في شرح صحيح مسلم از سعدون إبراهيم العيسوي در دانشگاه بغداد؛ مختلف الحديث عند الإمام النووي و بيان منهجه من خلال شرحه على صحيح مسلم از منصور بن عبدالرحمن عقيل به راهنمایي احمد بن نافع المورعي در دانشگاه ام القري به سال ۱۴۲۷؛ مسائل العقيدة في شرح النووي على صحيح مسلم از احمد عبدالرزاق جبير در دانشگاه بغداد به سال ۱۹۹۸؛ الإمام النووي و جهوده في توضيح العقيدة از نجات محمود عوض الله در دانشگاه بين المللي آفريقيا؛ آراء الإمام النووي في مسائل العقيدة از ابراهيم احمد الديب در دانشگاه قاهره؛ منهج الإمام النووي في تقرير مسائل الاعتقاد من خلال شرحه لصحيح مسلم في ضوء عقيدة اهل السنة و الجماعة از زكية بنت يوسف ابوقرن به راهنمایي شفيح الماحي احمد در دانشگاه ملك سعود به سال ۱۴۲۱؛ منهج الإمام النووي في روضة الطالبين از محمد دفيش محمود الجميلي در دانشگاه بغداد؛ الإجماع عند الإمام النووي من خلال شرحه لصحيح مسلم دراسة اصولية تطبيقية از علي بن احمد العميري به راهنمایي عثمان بن ابراهيم المرشد در دانشگاه ام القري مکه به سال ۱۴۱۹؛ آراء الإمام النووي الأصولية المتعلقة بمباحث الأدلة و الأحكام من خلال كتابيه شرح صحيح مسلم و خلاصة الأحكام از نوال بنت سالم الرشود در دانشگاه ام القري مکه؛ آراء الإمام النووي الأصولية جمعاً و دراسة از موسى عمر كيتا به راهنمایي محمد مختار شنيطی در دانشگاه اسلامي مدينه به سال ۱۴۲۵؛ نقد متون السنة في كتاب المجموع للنووي از أحمد محمد غنيمه به سال ۱۹۹۹؛ التفكير الفقهي للإمام النووي في كتاب المجموع شرح المذهب از علي عبدالحفيظ مرسى به سال ۱۴۲۱؛ آراء الإمام النووي الأصولية المتعلقة بالتعارض و الترجيح بين الأدلة من خلال شرحه لصحيح الإمام مسلم: جمعاً و توثيقاً و دراسة از هدى بنت عبدالعزيز الموسى به راهنمایي عبدالعزيز المشعل در دانشگاه رياض به سال ۱۴۳۱؛ آراء الإمام النووي الأصولية في الإجتهد و التقليد و الفتوه في شرحه لصحيح الإمام مسلم: جمعاً و توثيقاً و دراسة از مها بنت سعد الحمدي به راهنمایي عبدالرحمن الدرويش در دانشگاه مدينه به سال ۱۴۳۰.

۴. سيوطي، جلال الدين، حسن المحاضرة في تاريخ مصر و القاهرة، ۹۵.

۵. نووي، يحيى بن شرف، التلخيص شرح الجامع الصحيح للبخاري، ۱، ۱۲۴، مقدمه مصحح.

۶. حداد، احمد عبدالعزيز، الامام النووي و اثره في الحديث و علومه، ۱۸.

۷. ذهبي، شمس الدين، تاريخ الاسلام: ۵۰، ۲۴۷.

۸. ابن عطار، علي بن ابراهيم، تحفة الطالبين في ترجمة الامام محي الدين: ۴۱.

۹. يونيني، موسى بن محمد، ذيل مرآة الزمان: ۴، ۱۸۴.

۱۰. شیخ یاسین مراکشی از مشایخ صوفیه بود که بعدها استاد نووی در تصوف شد.
۱۱. ابن عطار، علی بن ابراهیم، تحفة الطالبین فی ترجمة الامام محی الدین: ۴۳؛ ذهبی، شمس الدین، تاریخ الاسلام: ۵۰، ۲۴۷.
۱۲. ابن عطار، علی بن ابراهیم، تحفة الطالبین فی ترجمة الامام محی الدین، ص ۴۴.
۱۳. سخاوی، محمد، المنهل العذب الروی فی ترجمة قطب الاولیاء النووی، ص ۳۸.
۱۴. ابن عطار، علی بن ابراهیم، تحفة الطالبین فی ترجمة الامام محی الدین، ص ۴۵.
۱۵. همان، ص ۵۰.
۱۶. سال وفات او را به اتفاق سال ۶۷۶ ذکر کرده اند و با توجه به تاریخ ولادتش که بدون اختلاف سال ۶۳۱ ذکر شده است، سن او در زمان وفاتش ۴۵ سال بوده است و عجیب اینکه وی در نوزده سالگی وارد مدرسه رواجیه شد؛ به بیان دیگر دوران تعلیم، تعلّم و تألیف او تنها ۲۶ سال بوده است و او با همت بلند خود، در این زمان اندک توانسته است تألیفاتی گران ارج از خود به یادگار بگذارد.
۱۷. سیوطی، جلال الدین، المنهاج السوی فی ترجمة الامام النووی، ۴۷.
۱۸. از یوف، عبدالغفور بن بشیر، منهج الافتاء عند الامام النووی، ۱۱.
۱۹. نووی، یحیی بن شرف، الأربعین النوویه، ۱۰.
۲۰. ابن عطار، علی بن ابراهیم، تحفة الطالبین فی ترجمة الامام محی الدین، ص ۶۲.
۲۱. همان، ص ۶۶.
۲۲. ذهبی، شمس الدین، تاریخ الاسلام، ۵۰، ۲۴۹.
۲۳. همان، ص ۲۴۹.
۲۴. ابن عطار، علی بن ابراهیم، تحفة الطالبین فی ترجمة الامام محی الدین، ۶۲؛ ذهبی، شمس الدین، تاریخ الاسلام، ۵۰، ۲۴۹.
۲۵. ذهبی، شمس الدین، تاریخ الاسلام، ۵۰، ۲۴۹.
۲۶. سخاوی، محمد، المنهل العذب الروی فی ترجمة قطب الاولیاء النووی، ۵۲.
۲۷. ذهبی، شمس الدین، تاریخ الاسلام، ۵۰، ۲۴۹.
۲۸. همان.
۲۹. همان، ص ۲۵۰.
۳۰. جهت مشاهده لیست کامل مشایخ وی رک: ذهبی، شمس الدین، تذکرة الحفاظ، ۴، ۱۴۷۰؛ سبکی، عبدالوهاب، طبقات الشافعیة الكبرى، ۸، ۳۹۵؛ کتبی، محمد بن شاکر، عیون التواریخ، ۲۱، ۵۹۴.

۳۱. رک: سیوطی، جلال‌الدین، المنهاج السوی فی ترجمة الامام النووی، ۵۱.
۳۲. زرکلی، خیرالدین، الأعلام، ۸، ۱۴۹.
۳۳. سخاوی، محمد، المنهل العذب الروی فی ترجمة قطب الاولیاء النووی، ۵۵.
۳۴. رک: ناوی، یحیی بن شرف، الایجاز فی شرح سنن ابی داود.
۳۵. سخاوی، محمد، المنهل العذب الروی فی ترجمة قطب الاولیاء النووی، ۵۵.
۳۶. زرکلی، خیرالدین، الأعلام، ۸، ۱۴۹؛ سرکیس، ایان، معجم مطبوعات العربیة، ۲، ۱۸۷۸؛ نیز رک: نووی، یحیی بن شرف، ریاض الصالحین من کلام رسول الله سید العارفين.
۳۷. حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله، کشف الظنون، ۱، ۶۸۸؛ زرکلی، خیرالدین، الأعلام، ۸، ۱۴۹؛ سرکیس، ایان، معجم مطبوعات العربیة، ۲، ۱۸۷۸.
۳۸. سخاوی، محمد، المنهل العذب الروی فی ترجمة قطب الاولیاء النووی، ۵۶.
۳۹. زرکلی، خیرالدین، الأعلام، ۸، ۱۵۰؛ سرکیس، ایان، معجم مطبوعات العربیة، ۲، ۱۸۷۷؛ یافعی، عبدالله بن اسعد، مرآة الجنان، ۴، ۱۳۸.
۴۰. سرکیس، ایان، معجم مطبوعات العربیة، ۲، ۱۸۷۷.
۴۱. زرکلی، خیرالدین، الأعلام، ۸، ۱۴۹.
۴۲. سرکیس، ایان، معجم مطبوعات العربیة، ۲، ۱۸۷۷.
۴۳. یافعی، عبدالله بن اسعد، مرآة الجنان، ۴، ۱۳۸.
۴۴. سرکیس، ایان، معجم مطبوعات العربیة، ۲، ۱۸۷۷.
۴۵. زرکلی، خیرالدین، الأعلام، ۸، ۱۴۹؛ سرکیس، ایان، معجم مطبوعات العربیة، ۲، ۱۸۷۸.
۴۶. سیوطی، جلال‌الدین، المنهاج السوی فی ترجمة الامام النووی ۶۱.
۴۷. یافعی، عبدالله بن اسعد، مرآة الجنان، ۴، ۱۳۸.
۴۸. سیوطی، جلال‌الدین، المنهاج السوی فی ترجمة الامام النووی، ۵۵.
۴۹. زرکلی، خیرالدین، الأعلام، ۸، ۱۵۰.
۵۰. سرکیس، ایان، معجم مطبوعات العربیة، ۲، ۱۸۷۷.
۵۱. زرکلی، خیرالدین، الأعلام، ۸، ۱۴۹.
۵۲. سرکیس، ایان، معجم مطبوعات العربیة، ۲، ۱۸۷۷.
۵۳. زرکلی، خیرالدین، الأعلام، ۸، ۱۴۹؛ سرکیس، ایان، معجم مطبوعات العربیة، ۲، ۱۸۷۸.
۵۴. سیوطی، جلال‌الدین، المنهاج السوی فی ترجمة الامام النووی، ۵۴.

۵۵. سرکیس، إلیان، معجم مطبوعات العربية، ۲، ۱۸۷۸؛ زرکلی، خیرالدین، الأعلام، ۸، ۱۵۰.
۵۶. زرکلی، خیرالدین، الأعلام، ۸، ۱۵۰؛ سرکیس، إلیان، معجم مطبوعات العربية، ۲، ۱۸۷۸.
۵۷. زرکلی، خیرالدین، الأعلام، ۸، ۱۴۹.
۵۸. همان.
۵۹. سخاوی، محمد، المنهل العذب الروی فی ترجمة قطب الأولیاء النووی، ۵۵.
۶۰. سخاوی، محمد، المنهل العذب الروی فی ترجمة قطب الأولیاء النووی، ۶۰.
۶۱. نووی، یحیی بن شرف، التلخیص شرح الجامع الصحیح للبخاری، ۱، ۳۱۲.
۶۲. زرکلی، خیرالدین، الأعلام، ۸، ۱۵۰.
۶۳. زرکلی، خیرالدین، الأعلام، ۸، ۱۵۰؛ یافعی، عبدالله بن اسعد، مرآة الجنان، ۴، ۱۳۸.
۶۴. اسنوی، عبدالرحیم بن حسن، طبقات الشافعية، ۲، ۲۷۰؛ زرکلی، خیرالدین، الأعلام، ۸، ۱۵۰.
۶۵. جهت اطلاع از لیست کامل آثار وی رک: سیوطی، جلال‌الدین، المنهاج السوی فی ترجمة الامام النووی، ۶۵-۵۲.
۶۶. نووی، یحیی بن شرف، التلخیص شرح الجامع الصحیح للبخاری، ۱، ۱۴۵، مقدمه مصحح.
۶۷. همان.
۶۸. ابن عطار، علی بن ابراهیم، تحفة الطالبین فی ترجمة الامام محی الدین، ۸۳.
۶۹. ذهبی، شمس‌الدین، تذکرة الحفاظ، ۴، ۱۴۷۲.
۷۰. ابن قاضی شهبه، محمد بن عمر، طبقات الشافعية، ۲، ۱۹۹.
۷۱. سیوطی، جلال‌الدین، المنهاج السوی فی ترجمة الامام النووی، ۶۳.
۷۲. بغدادی، اسماعیل یاشا، هدیة العارفين، ۲، ۵۲۵.
۷۳. سخاوی، محمد، المنهل العذب الروی فی ترجمة قطب الأولیاء النووی، ۵۵.
۷۴. ذهبی، شمس‌الدین، سیر أعلام النبلاء، ۱۶، ۴۹۳.
۷۵. ابن حجر عسقلانی، احمد، هدی الساری مقدمة فتح الباری، ۲، ۱۲۵۹.
۷۶. نووی، یحیی بن شرف، التلخیص شرح الجامع الصحیح للبخاری، ۱، مقدمه مؤلف.
۷۷. همان، ص ۷۱۴.
۷۸. همان.
۷۹. همان، ص ۷۱۵.
۸۰. همان، ص ۷۱۶.



٨١ همان، ص ٧١٨.

٨٢ جهت ملاحظه لیست کامل این کتابها ر.ک، نووی، یحیی بن شرف، التلخیص شرح الجامع الصحیح للبخاری، ١، ١٥٣.

٨٣ نووی، یحیی بن شرف، التلخیص شرح الجامع الصحیح للبخاری، ١، ١٧٢، مقدمه مصحح.

٨٤ همان، ص ١٧٣، مقدمه مصحح.

٨٥ همان، ص ١٧٤، مقدمه مصحح.

٨٦ همان، مقدمه مصحح.

### منابع:

١. ازیوف، عبدالغفور بن بشیر، منهج الإفتاء عند الإمام النووی، مالزی، الجامعة الإسلامية العالمية، ٢٠٠٨، (رساله دکتری).
٢. ابن اسباط، احمد بن عمر غری، صدق الأخبار معروف به تاریخ ابن اسباط، ج ١، تصحیح، عمر تدمری، طرابلس، نشر جروس برس، ١٤١١.
٣. ابن امام الکاملیه، محمد، بغیة الراوی فی ترجمة الإمام النووی، تصحیح، عبدالرئوف بن محمد الکمالی، بیروت، دارالبشائر الاسلامیه، ١٤٣١.
٤. ابن تغری بردی، یوسف، الدلیل الشافی علی المنهل الصافی، ج ٢، تصحیح، فهیم محمد شلتوت، قاهره، بی نا، ١٩٩٨.
٥. \_\_\_\_\_، النجوم الزاهرة، ج ٧، تصحیح، محمدحسین شمس الدین، بیروت، دارالکتب العلمیه، ١٤٠٣.
٦. ابن حجر عسقلانی، احمد، هدی الساری مقدمة فتح الباری، ج ٢، تصحیح، عبدالعزیز بن باز و فؤاد عبدالباقی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ٢٠٠٣.
٧. ابن عبدالهادی دمشقی، شمس الدین، طبقات علماء الحدیث، ج ٤، تصحیح، اکرم بوشی و ابراهیم زبیب، بیروت، الرسالته، ٢٠٠٨.
٨. ابن عطار، علی بن ابراهیم، تحفة الطالبین فی ترجمة الإمام محی الدین، تحقیق، مشهور حسن آل سلمان، عمان، الدار الأثریه، ١٤٢٨.

٩. ابن عماد حنبلي، عبدالحى العكرى، شذرات الذهب فى اخبار من ذهب، ج٧، بيروت، دار إحياء التراث العربى، بى تا.

١٠. ابن فرات، محمد بن عبدالرحيم، تاريخ ابن فرات، ج٧، مقدمة و ضبط نص، قسطنطين زريق، بيروت، مطبعة الأمريكية، ١٩٤٢.

١١. ابن فوطى، عبدالرزاق بن احمد، مجمع الآداب فى معجم الألقاب، ج٥، تصحيح، كاظم محمد، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى، ١٤١٦.

١٢. ابن قاضى شهبه، ابوبكر بن احمد بن محمد، طبقات الشافعية، ج٢، تصحيح، حافظ عبدالعليم خان، حيدرآباد دكن، دائرة المعارف العثمانية، چاپ اول، ١٩٧٩.

حسنا

١٣. ابن كثير دمشقى، اسماعيل، البداية و النهاية، ج١٣، تصحيح، على شبرى، بيروت، دار إحياء التراث العربى، ١٤٠٨.

١٤. \_\_\_\_\_، طبقات الفقهاء الشافعيين، ج٢، تصحيح، احمد هاشم و محمد زينهم محمد عزب، قاهرة، مكتبة الثقافة الدينية، ١٩٩٣.

١٥. ابن الوردى، عمر بن مظفر، تنمة المختصر فى اخبار البشر (تاريخ ابن الوردى)، ج٢، تصحيح، احمد رفعت بدرأوى، بيروت، دارالمعرفة، ١٩٧٠.

١٦. ابوغدة، عبدالفتاح، العلماء العزاب الذين آثروا العلم على الزواج، بيروت، مكتبة المطبوعات الإسلامية، ١٤٠٢.

١٧. اسنوى، عبدالرحيم بن حسن، طبقات الشافعية، ج٢، تصحيح، حوت كمال يوسف، بيروت، دارالكتب العلمية، بى تا.

١٨. برزالى، قاسم بن محمد، المقتفى على كتاب الروضتين (تاريخ برزالى)، ج١، تصحيح، عمر عبدالسلام تدمرى، بيروت، المكتبة العصرية، بى تا.

١٩. بغدادى، اسماعيل پاشا، هدية العارفين، ج٢، تصحيح، محمد شرف الدين يالتقاي و رفعت بيلگه الكيسى، بيروت، دار إحياء التراث العربى، بى تا.

٢٠. \_\_\_\_\_، ايضاح المكنون، ج١، تصحيح، محمد شرف الدين يالتقاي و رفعت بيلگه الكيسى، بيروت، دار إحياء التراث العربى، بى تا.

٢١. بيبرس، ركب الدين، زبدة الفكر فى تاريخ الهجرة، اردن، مكتبة جامعة الاردنية، ٢٠١٤.

٢٢. حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله، كشف الظنون، ج ١، تصحیح، محمد شرف‌الدین یالتقایا و رفعت الکیسی، بیروت، دار إحياء التراث العربی، بی‌تا.
٢٣. حجوى، محمد بن حسن، الفكر السامی فی تاریخ الفقه الاسلامی، ج ٤، رباط، مطبعة الإدارة المعارف، ١٣٤٠.
٢٤. حداد، احمد عبدالعزيز، الإمام النووی و أثره فی الحديث و علومه، بیروت، دارالبشائر الإسلامية، ١٩٩٢.
٢٥. الدقر، عبدالغنی، الإمام النووی شیخ الإسلام و المسلمین و عمدة الفقهاء و المحدثین، دمشق، دارالقلم، ١٤٠٧.
٢٦. دیاربکری، حسین بن محمد، تاریخ الخمیس فی احوال أنفس نفیس، ج ٢، بیروت، مؤسسة شعبان، ١٢٨٣.
٢٧. ذهبی، شمس‌الدین، الإعلام بوفیات الأعلام، تصحیح، عبدالباقی ربیع ابوبکر و عوض مصطفی، بیروت، الکتب الثقافیة، بی‌تا.
٢٨. \_\_\_\_\_ تذكرة الحفاظ، ج ٤، بیروت، دار إحياء التراث العربی، بی‌تا.
٢٩. \_\_\_\_\_ تاریخ الإسلام، ج ٥٠، تحقیق، عمر عبدالسلام التدمری، بیروت، دارالکتب العربی، ١٤٠٧.
٣٠. \_\_\_\_\_ المعین فی طبقات المحدثین، تصحیح، محمد زینهم محمد عزب، قاهرة، دارالصحوة، ١٤٠٧.
٣١. \_\_\_\_\_ سیر أعلام النبلاء، ج ١٦، تصحیح، حسین الأسد، بیروت، الرسالة، ١٤١٣.
٣٢. \_\_\_\_\_ العبر فی خبر من غیر، ج ٥، تصحیح، فؤاد سید، کویت، مطبعة حکومتة الکویت، ١٩٦١.
٣٣. \_\_\_\_\_ دول الإسلام، ج ٢، تصحیح، حسن إسماعیل مروة و محمود الأرئووط، بیروت، دارصادر، چاپ اول، ١٩٩٩.
٣٤. زرکلی، خیرالدین، الأعلام، ج ٨، بیروت، دارالعلم للملایین، ١٩٨٠.
٣٥. سبکی، عبدالوهاب، طبقات الشافیة الکبری، ج ٨، تصحیح، محمود محمد الطنحی و عبدالفتاح محمد الحلو، بیروت، دار إحياء الکتب العربیة، بی‌تا.

٣٦. سخاوى، محمد، المنهل العذب الروى فى ترجمة قطب الأولياء النووى، تحقيق، احمد فريد المزيدي، بيروت، دارالكتب العلميه، ١٤٢٦.

٣٧. سركييس، إلبان، معجم المطبوعات العربية، ج ٢، قم، مكتبة مرعشى، ١٤١٠.

٣٨. السلامه، ناصر بن سعود، الأحاديث و الآثار التى حكم عليها الإمام النووى فى كتبه، رياض، دار أطلس، ١٩٩٩.

٣٩. سيوطى، جلال الدين، حسن المحاضرة فى تاريخ مصر و القاهرة، ج ٢، تصحيح، محمد ابوالفضل ابراهيم، قاهره، دار إحياء الكتب العربية، ١٣٨٧.

٤٠. \_\_\_\_\_، طبقات الحفاظ، بيروت، دارالكتب العلميه، ١٤٠٣.

٤١. \_\_\_\_\_، المنهاج السوى فى ترجمة الإمام النووى، تصحيح، احمد شفيق دمج، بيروت، دار ابن حزم، ١٤٠٨.

٤٢. صفدى، صلاح الدين، الوافى بالوفيات، ج ٢٨، تصحيح، احمد الارنؤوط و تركى مصطفى، بيروت، دار إحياء التراث، ١٤٢٠.

٤٣. طاش كبرى زاده، احمد بن مصطفى، مفتاح السعادة و مصباح السيادة فى موضوعات العلوم، ج ٢، بيروت، دارالكتب العلميه، بى تا.

٤٤. طنطاوى، على، الإمام النووى، دمشق، دارالفكر، ١٩٨٨.

٤٥. عويضة، محمد، الإمام النووى شيخ المحدثين و الفقهاء، بيروت، دارالكتب العلميه، ١٩٩٥.

٤٦. عيني، بدرالدين محمود، عقد الجمان، ج ٢، تصحيح، محمد محمد أمين، قاهره، الهيئة المصرية العامة للكتاب، ١٤٠٧.

٤٧. قيطونى مغربى، ادريس بن الماحى، معجم المطبوعات المغربية، بى جا، مطابع سلا، ١٩٨٨.

٤٨. كتيبى، محمد بن شاکر، عيون التواريخ، ج ٢١، تصحيح، نبيله عبدالمنعم داود و فيصل السامر، قاهره، دار الحرية، ١٩٨٤.

٤٩. \_\_\_\_\_، فوات الوفيات، ج ٢، تصحيح، على محمد بن يعوض الله و عادل احمد عبدالموجود، بيروت، دارالكتب العلميه، چاپ اول، ٢٠٠٠.

٥٠. كحاله، عمر رضا، معجم المؤلفين، ج ١٣، بيروت، مكتبة المثنى، بى تا.

٥١. مدرس تبريزى، محمدعلى، ريحانة الأدب، ج ٦، تهران، كتابفروشى خيام، ١٣٦٩.

٥٢. مراغى، عبدالله، الفتح المبين فى طبقات الأصوليين، ج ٢، بى جا، المكتبة الحرية للتراث، ٢٠٠٧.
٥٣. موسى خوانسارى، محمداقر، روضات الجنات فى أحوال العلماء و السادات، ج ٨، قم، اسماعيليان، بى تا.
٥٤. نووى، يحيى بن شرف، روضة الطالبين و معه منهاج السوى فى ترجمة الإمام النووى، تصحيح، عادل احمد عبدالموجود و على محمد معوض، بيروت، دارالكتب العلمية، بى تا.
٥٥. \_\_\_\_\_، التقريب و التيسير فى معرفة سنن البشير النذير، القاهرة، المطبعة المصرية، ١٣٥١.
٥٦. \_\_\_\_\_، الاربعين النووية، تصحيح، رضوان محمد رضوان، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤٠١.
٥٧. \_\_\_\_\_، ارشاد طلاب الحقائق الى معرفة سنن خير الخلائق، تصحيح، نورالدين عتر، بيروت، دارالبشائر الاسلامية، ١٤١١.
٥٨. \_\_\_\_\_، خلاصة الأحكام فى مهمات السنن و القواعد و الأحكام، تصحيح، حسين اسماعيل الجمل، بيروت، الرسالة، ١٤١٨.
٥٩. \_\_\_\_\_، الأذكار من كلام سيد الأبرار، جدة، دار المنهاج، ١٤٢٥.
٦٠. \_\_\_\_\_، الإيجاز فى شرح سنن أبى داود، تصحيح، حسين بن عكاشه، بيروت، دارالكيان، ١٤٢٧.
٦١. \_\_\_\_\_، رياض الصالحين من كلام رسول الله سيد العارفين، جدة، مكتب الدراسات و البحث العلمى لدار المنهاج، ١٤٢٧.
٦٢. \_\_\_\_\_، التلخيص شرح الجامع الصحيح للبخارى، ج ١، تصحيح، نظر محمد الفاريابى، رياض، دار طيبة، ١٤٢٩.
٦٣. نوبرى، شهاب الدين احمد، نهاية الأرب فى فنون الأدب، ج ٣، القاهرة، وزارة الثقافة و الإرشاد القومى، بى تا.
٦٤. يافعى، عبدالله بن اسعد، مرآة الجنان، ج ٤، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤١٧.
٦٥. يونينى، موسى بن محمد، ذيل مرآة الزمان، ج ٣ و ٤، حيدرآباد، دارالكتب الإسلامى، ١٩٦٠.